

طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از اشیا در حقوق ایران و فرانسه

علیرضا یزدانیان*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۶/۲۹)

چکیده

اصولاً در تعیین مسئول جبران خسارت، فعل زیانبار شخص نقش اصلی را دارد. اما در مواردی یکی از قواعد تعیین مسئول در حقوق فرانسه، تعیین مسئول بر مبنای مالکیت یا نگهداری از اشیاست که این موضوع در حقوق فرانسه، سبب طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از اشیا شده است. در حقوق فرانسه مسئولیت ناشی از حیوان و مسئولیت ناشی از ویرانی ساختمان و مسئولیت ناشی از تصادفات، مصادیقی از مسئولیت ناشی از اشیا هستند و دکتترین از این مصادیق و به کمک بند ۱ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف «اصل مسئولیت ناشی از اشیا» را استنباط کرده است. در حقوق ایران نیز چنین مصادیقی وجود دارد، ولی قاعده کلی مانند ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف وجود ندارد. به نظر می‌رسد دکتترین در حقوق ایران می‌تواند اقدام به طرح قاعده مسئولیت مدنی ناشی از اشیا کند که در این مقاله با توجه به فقه، به شیوه‌ای تطبیقی و با استفاده از حقوق فرانسه بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی

اشیا، قاعده، مالکیت، مسئولیت، نگهداری.

۱. مقدمه

به نظر دکترین، سه فعل سبب مسئولیت مدنی است: ۱. فعل شخص^۱؛ ۲. فعل اشیا^۲؛ ۳. فعل غیر^۳ (Canin, 2007: 96). بنابراین فعل اشیای خطرناک و غیرخطرناک نیز می‌تواند به مسئولیت مدنی منتهی شود (Flour, Aubert, Savaux, 2001: 62; Carbillac; 2008: 194). بشر در «عصر حادثه» حوادث ناگواری را تجربه می‌کند (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۸۵) و همان‌گونه که راندگی بی‌خطر وجود ندارد (همان: ۳۲۶)، استفاده از اشیا نیز بی‌خطر نیست. با انقلاب صنعتی مسئولیت‌های بی‌تقصیر رشد کرد (ایزانلو، ۱۳۸۶: ۱۶) که یکی از آنها مسئولیت ناشی از شیء بود. با این نگاه، مسئولیت تاوان قدرت بهره‌مندی است (جعفری تبار، ۱۳۸۹: ۴۰). در حقوق فرانسه در بند ۱ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف به این مسئولیت اشاره و مقرر شده است: «شخص نه‌تنها مسئول خسارات ناشی از عمل خود است، بلکه مسئول خسارات ناشی از عمل کسانی هم که وی پاسخگوی آنها می‌باشد یا مسئول خسارات ناشی از اشیاء تحت مراقبت خود نیز هست...». در مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی و فعل غیر، ارتکاب فعل زیانبار اشخاص در تعیین مسئول نقش دارد. برای مثال در اتلاف و تسبیب فعل زیانبار شخص است که مسئول را تعیین می‌کند. اما در مسئولیت ناشی از اشیا این «نقش فعال یا کنشگر»^۴ شیء است که سبب خسارت شده و در نتیجه برای تعیین مسئول باید به‌نوعی این شیء به شخصی منسوب باشد. این نکته از ماده ۳۳۳ ق.م.ایران نیز هویداست که سخن از «خراب شدن» است که نوعی فعل شیء است نه «خراب کردن» که نوعی فعل شخصی است. در این موارد مالک یا نگهبان شیء نقش سببیت مادی در خسارت ندارد، بلکه این شیء است که سبب خسارت شده و فقط رابطه آن با شخص در این است که این شیء متعلق حق مالکیت مالک یا تحت محافظت و نگهداری محافظ است (Cathelineau-Roulaud, 2002: 3).

۲. نقش فعل شیء در مسئولیت مدنی

۲.۱. مفهوم فعل شیء

در مسئولیت ناشی از اشیا آنچه در تعیین مسئول قابل تأمل است، اشاره به «فعل شیء»^۵ است. در رویه قضایی فرانسه مسئولیت ناشی از اشیا، منوط به این است که شیء باید «نقش فعال یا کنشگر»^۶ داشته باشد و منظور از «فعل ایجابی» اشیا همین است (Viney, Jourdain, 1998: 633). بنابراین شرط مهم مداخله شیء در تحقق خسارت است. (Cathelineau-Roulaud, 2003: 2). به

1. Le fait personnel
2. Le fait des choses
3. Le fait d'autrui
4. Le rôle actif
5. Le fait de chose
6. Le rôle actif

نظر برخی، منظور از فعل شیء این است که شیء با زیان‌دیده برخورد داشته باشد؛ مانند اینکه سگی وی را گاز بگیرد یا اتومبیلی با وی برخورد کند. البته منظور برخورد مادی نیست، بلکه تحقق خسارت ممکن است فیزیکی نباشد و بدون قطع رابطه سببیت، خسارت محقق شود، مانند موردی که حیوانی سبب وارد شدن شوک عصبی به زیان‌دیده گردد (Terré, Simler, 2005: 768). بنابراین برخورد مادی و فیزیکی شرط لازم و کافی در مسئولیت مزبور نیست (ibid: 741). همچنین حیوان می‌تواند ناقل بیماری مسری و سبب خسارت شده باشد. در نتیجه «فعل حیوان»^۱ نیز می‌تواند منشأ خسارت باشد و این امر می‌طلبد که حیوان نیز فعل زیانباری مرتکب شده باشد و خسارت نیز ناشی از این فعل حیوان باشد. طبیعی است که عرفاً باید فعل حیوان در ورود خسارت نقش داشته باشد و فعل مزبور از فعل نگهدارنده حیوان متفاوت است، زیرا اگر فعل نگهدارنده منشأ خسارت شود، از نظر طبقه‌بندی «فعل شخصی» بوده و به عبارتی مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی است که تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی خواهد بود (Legros, 2010: 4). برخی معتقدند شیء باید «نقش سببی»^۲ در تحقق خسارت داشته باشد تا بتوان بین شیء و خسارت رابطه برقرار کرد. به تعبیر رویه قضایی فرانسه شیء باید «وسیله خسارت»^۳ باشد. به تعبیر دیگر به نظر برخی با ضابطه «اگر نبود»^۴ کافی نیست که شیء نیز یک سبب خسارت تلقی شود. به این معنا که اگر شیء نبود، خسارت نیز رخ نمی‌داد، بلکه فراتر این باید شیء نقش فعالی در تحقق خسارت داشته باشد. به نظر دکترین، اگر مالک باغی به باغبانی امر کند تا از درختی بالا برود و شاخه اضافی را ببرد و باغبان از بالای درخت پایین افتد، نمی‌توان مالک را با این استدلال مسئول دانست که اگر درخت نبود، خسارت نیز رخ نمی‌داد. بلکه باید فراتر از آن «فعل درخت»^۵ را به اثبات رساند که سبب خسارت شده است، مانند افتادن درخت نه افتادن از درخت (Fabre-Magan.T.2, 2007: 185). بنابراین «نقش فعال»^۶ شیء محور مسئولیت ناشی از اشیاست و اگر شیء دارای «نقش منفعل»^۷ باشد، مالک یا محافظ مسئولیتی ندارد (Bertolaso, 2004: 4) که رأی ۱۹ فوریه ۱۹۴۱ به آن اشاره کرده است. در این پرونده خانمی در مؤسسه آب گرم دچار سنکوپ شد و روی دستگاه حرارتی افتاد و دچار سوختگی شد. دادگاه نظر داد که مالک با اثبات اینکه شیء نقش منفعل داشته از مسئولیت معاف است (Carbillac, 2008: 194). رویه قضایی فرانسه، در مورد شیء متحرک، فرض را بر این نهاده که شیء دارای فعل ایجابی بوده و حتی در مورد شیء متحرک، گاهی سببیت را

1. Fait de l'animal
2. Rôle causal
3. L'instrument de dommage
4. Sine qua non
5. Fait de l'arbe
6. Le rôle actif
7. Le rôle passif

مفروض دانسته است^۱ (Fabre-Magnan.T.2, 2007:186). با وجود این، به نظر برخی حرکت نشانه فعل ایجابی شیء نیست، بلکه گاه عملکرد غیرعادی شیء نیز فعل ایجابی شیء به حساب می‌آید، مانند شکنندگی در شیشه‌ای و فعل ایجابی در مورد شیء ساکن نیز قابل تصور است (Viney, Jourdain, 1998: 641)، مانند انفجار اتومبیل متوقف. بنابراین براساس رویه‌های جدید لازم نیست که شیء متحرک باشد و شخصی نیز که روی پله‌برقی متوقف سر می‌خورد یا وقتی دیوار و درختی فرو افتد، مسئولیت متفی نیست (Terré, Simler, Lequette, 2005: 741).

۲.۲. بررسی فعل شیء در رویه قضایی فرانسه

در دیوان عالی فرانسه، هنوز در مورد فعل شیء و ساکن یا متحرک بودن و بین وضعیت عادی یا غیرعادی شیء اختلاف نظر وجود دارد. نمونه‌ای از این اختلاف در رأی شعبه دوم مدنی دیوان عالی فرانسه در ۲۹ آوریل ۱۹۹۸ است. در این پرونده کودک ۱۳ ساله‌ای به یک در شیشه‌ای برخورد کرد و زخمی شد. والدین طفل براساس بند ۱ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف طرح دعوا کردند. دادگاه پژوهش دادخواست ایشان را رد کرد. با این استدلال که در مزبور دارای وضعیت خطرناک و غیرعادی نبوده و بنابراین، خسارت ناشی از شیء نبوده، بلکه خسارت ناشی از عمل خود کودک بوده که با شتاب به در شیشه‌ای برخورد کرده و در شیشه‌ای وسیله خسارت نبوده است^۲ (ژوردن، ۱۳۸۶: ۳۷۴). هرچند به نظر دیوان در شیشه‌ای وسیله خسارت بوده است.

۱. در حقوق ایران نیز در ماده ۵۱۱ ق.م.ا. بین دو شیء متحرک و ساکن، ظاهراً دارنده شیء متحرک ضامن است.
 ۲. این استدلال با رویه آن زمان هماهنگ بود. زیرا در شیشه‌ای یک شیء ساکن است و در این حالت زیان‌دیده باید نقش کنشگر شیء را به اثبات می‌رساند و ثابت می‌کرد که شیء دارای عیب یا یک وضعیت غیر عادی بوده. چنانچه در شعبه دوم مدنی در ۱۱ ژانویه ۱۹۵۵ مقرر شده بود که شیء ساکن وقتی ممکن است وسیله خسارت باشد که ثابت شود که دارای وضعیتی غیر عادی و نامناسبی بوده است. بنابراین در مورد قضیه مطرح شده زیان‌دیده باید حالت شکنندگی غیر عادی شیء را به اثبات می‌رساند و یا محرز می‌شد که در فاقد علامت هشدار بوده است. دیوان بر خلاف نظر دادگاه معتقد بود که در شیشه‌ای وسیله خسارت بوده. زیرا قضات احراز کرده بودند که آرنج کودک بر اثر شکسته شدن شیشه زخمی شده. دیوان تقریباً این نظر را داشت که در شیشه‌ای یک شیء متحرک بوده و بنا بر رویه موجود، هرگاه شیء متحرک باشد، زیان‌دیده فقط باید ثابت کند که شیء به طور مادی در تحقق خسارت نقش داشته و فرض بر این است که چنین شیئی نقش کنشگر مثبت داشته. در نتیجه از نظر دیوان همین که اثبات شود زیان‌دیده به در مزبور برخورد کرده، کافی است تا شیء به عنوان وسیله خسارت تلقی شود. در این پرونده زیان‌دیده در شیشه‌ای را برای باز کردن فشار داده و شیشه آن شکسته شده بود و دیوان چنین برداشت کرده بود که شیئی را که زیان‌دیده با آن برخورد کرده، یک شیء متحرک بوده. نکته جالب این که در یک مورد دیوان پذیرفته که اگر حرکت شیء ناشی از فعل زیان‌دیده باشد، آن شیء نمی‌تواند وسیله خسارت تلقی گردد. چنانچه در یک مورد زیان‌دیده بر روی تشک فنردار (ترامپولین) به هوا می‌پرد و به حالت حرکت درآمده بود که شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در ۸ ژوئن ۱۹۹۴ نظر داد تشک فنردار که زیان‌دیده بر روی آن به هوا می‌پرد، گرچه ساکن نبوده، اما وسیله ایراد خسارت نیست. به عبارت دیگر در مورد تشک فنردار که زیان‌دیده آن را به حرکت درآورده، دیوان آن را وسیله خسارت نمی‌داند. اما در مورد در شیشه‌ای که زیان‌دیده آن را به حرکت در آورده، دیوان آن را وسیله خسارت دانسته. حقوق‌دانان معتقدند این تشتت در رویه قضایی جمع این آراء را دشوار ساخته است. (ژوردن، ۱۳۸۶: ۳۷۴)

۳.۲. اشتراک احکام مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی و فعل شیء

مسئولیت مدنی ناشی از فعل اشیا (بند ۱ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف) و مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخص (مواد ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ ق.م.ف)، به نوعی تحت رژیم حقوقی مشترکی قرار دارند و اصولاً مانعی نیست که زیان دیده یکی از این دو را انتخاب کند. همچنان که اعمال همزمان دو روش نیز اشکالی ندارد^۱ (Buffelan Lanore, Larribau-Terneyre, 2008: 635). به دلیل این تشابهات برخی معتقدند که زمان اصل مسئولیت مدنی ناشی از اشیا به سر آمده و مسئولیت مزبور در حقوق تعهدات لازم نیست و حذف آن به دیگر مقررات تعهدات خللی وارد نمی‌آورد (Borghetti, 2010: 1). به هر صورت رویه قضایی فرانسه این اصل را در موارد دیگری تسری داده است. چنانکه در مورد مسئولیت مدنی پزشک در مورد مواد و وسایلی که استفاده می‌کند، به تقلید از اصل مسئولیت مدنی ناشی از اشیا، نوعی مسئولیت مدنی در نظر گرفته که مبنای آن تعهد ایمنی است (Jourdain, 2000: 117).

۴.۲. مسئولیت ناشی از شیء در فقه

در فقه مالکیت دایره گسترده دارد و نه تنها مالکیت بر عین، بلکه مالکیت بر منافع حتی به صورت اشتراکی مطرح شده است. برای مثال از روایت ذیل می‌توان به این مفهوم از مالکیت پی برد: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْأَجِيرُ الْمُشَارِكُ هُوَ ضَامِنٌ إِلَّا مِنْ سَبْعٍ أَوْ مِنْ عَرَقٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ لِصٍّ مُكَابِرٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۴۴). همچنین روایت زیر به صراحت دلالت بر مسئولیت ناشی از اشیا دارد: «كُلُّ شَيْءٍ يُضِرُّ بِطَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَصَاحِبُهُ ضَامِنٌ لِمَا يُصِيبُهُ» (قمی، ۱۴۱۳: ۱۵۵). از مصادیق شیء در فقه می‌توان به مسئولیت مالک دیوار یا ناودان یا هر شیء وضع شده روی بنا و دیوار اشاره کرد (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۲۲۷). حتی آتش نیز می‌تواند مصداقی از شیء به حساب آید (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۱: ۳۵۶). در فقه شیء به دو قسم شیء جاندار و بی‌جان قابل تقسیم است. فعل شیء جاندار یعنی حیوان نیز می‌تواند در مواردی به مسئولیت مالک یا نگهدار آن منتهی گردد (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۵۲۶؛ سیستانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۷۵). همچنین از عبارت «راکب حیوان» و «صاحب حیوان» و تفکیک ضمان ایشان می‌توان استنباط کرد که در فقه دو معیار مالکیت و محافظت معیار شناخته شده‌ای بوده است (ابن‌براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۴۹۵).

۱. بیسبب نیست که برخی این مسئولیت را تابع قواعد عمومی مسئولیت می‌دانند. (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۵۱)

۲.۵. ضرورت طرح در حقوق ایران

ممکن است این سؤال مطرح شود که با وجود این مصادیق در فقه چه لزومی به طرح چنین مسئولیتی در حقوق ایران است و فقدان این مسئولیت در حقوق ایران چه خللی به نظام حقوقی وارد می‌آورد. به عبارتی طرح این مسئولیت چه کمکی به حقوق ایران می‌کند. در پاسخ باید خاطر نشان کرد که مسئولیت‌های موضوع فقه مسئولیت‌هایی است که در نهایت به اتلاف و تسبیب مربوط است و به فعل انسان ختم می‌شود (حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۰۳)، در حالی که مسئولیت مدنی ناشی از شیء یک مسئولیت محض بوده و بیش از آنچه فعل انسان در آن اثر داشته باشد، بیشتر فعل شیء در آن مورد بحث است. به همین دلیل به نظر می‌رسد با توجه به حقوق تطبیقی و سابقه آن در فقه می‌توان این نهاد حقوقی را به ادبیات حقوقی ایران اضافه کرد. ضرورت طرح آن در نظام‌های حقوقی به این دلیل است که مصادیقی مانند مسئولیت ناشی از ویرانی ساختمان یا حیوان یا تصادمات در مواد ۳۳۳ تا ۳۳۵ ق.م. طرح شده و با پذیرش قاعده مسئولیت مدنی ناشی از اشیا همه این مصادیق تحت شمول قاعده قرار گرفته و دارای قواعد و احکام و آثار مشترک خواهد شد. با فقدان قاعده معلوم نیست موارد مطروحه دیگری غیر از آنچه در قانون است، چه سرنوشتی خواهد یافت. برای مثال هدم بنا در ماده ۳۳۳ ق.م. طرح شده اما آیا این ماده به مال منقول نیز قابل تسری است. در حالی که با طرح قاعده کلی، همه مصادیق پراکنده تحت نظام واحدی مطرح خواهد شد.

۳. معیارهای تعیین مسئول

۳.۱. معیار اول: مالکیت بر شیء

معیار اول، در تعیین مسئول، مالکیت بر شیء است. در برخی از نظام‌های حقوقی صرف مالکیت بر شیء، مالک را مسئول خسارات ناشی از اشیا می‌کند (Hocquet-Berg, 2004: 4). مالکیت نیز در یک مفهوم، رابطه اعتباری بین شیء معین و شخص در عالم اعتبار است. در نتیجه «مالکیت» یک «حق» بوده و در عالم اعتبار است، اما «تصرف» یک «وضعیت» بوده و جنبه مادی، ملاک است. به عبارت دیگر، مالکیت نوعی «رابطه حقوقی» است نه صرفاً مادی. بر این مبنا به صرف اینکه در عالم اعتبار، مالکیت یک شیء متعلق به شخصی باشد و از این شیء خسارتی وارد آید، حتی اگر شیء در تصرف مالک نباشد، می‌توان مالک را مسئول دانست، حتی اگر مالک فعل یا ترک فعلی انجام نداده باشد. با وجود این، باید بین فعل شیء و خسارت رابطه سببیت موجود بوده و شیء به مسئول منسوب باشد (Leduc, 1996: 164). به همین دلیل احراز سببیت بین شیء و خسارت ضروری است و به تعبیر برخی اگر زیان دیده ثابت کند که شیء در ورود خسارت نقش داشته، سببیت مفروض است. رویه قضایی فرانسه

نتیجه می‌گیرد زمانی که شیء با زیان‌دیده برخورد داشته باشد، معلوم می‌شود که شیء در تحقق خسارت زیان‌دیده نقش داشته است (Delebecque, Jérôme pansier, 2014: 194). در حقوق فرانسه در ماده ۱۲۴۴ برای «مالکان» ساختمان مسئولیت در نظر گرفته شده است (Hocquet- Berg, 2004: 4; Maistre du Chambon, 2014: 22). به‌زعم برخی این مسئولیت مختص مالک است و اگر ساختمان با اجاره یا حق انتفاع به مستأجر یا ذی‌نفع تسلیم شد، مستأجر و متفیع مسئول نبوده و فقط مالک، مسئول است (Weill, Terré, 1975: 761). در حقوق ایران نیز ماده ۵۱۹ ق.م.ا و ماده ۳۳۳ ق.م. مالک را مسئول دانسته است (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۸).

۳.۲. معیار دوم: محافظت و نگهداری از شیء

معیار دوم در تعیین مسئول، معیار نگهداری و مواظبت از شیء است که در قسمت اول ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف به آن اشاره شده است. این ماده مقرر می‌دارد: «شخص... مسئول خسارات ناشی از اشیاء تحت مراقبت خود نیز هست...». بین مالکیت در ماده ۱۲۴۴ ق.م.ف و محافظت در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف تفاوت وجود دارد (Flour, Aubert, Savaux, 2001: 243) و محافظت در حقوق فرانسه طبق رأی «فرانک»^۱ مورخ ۲ دسامبر ۱۹۴۱ به معنای استفاده، راهنمایی و کنترل مال است (33 : Sohm-Bourgeois, 1990; 431; Benabant, 2007; Bertolaso, 2012: 4). در این پرونده اتومبیل شخصی به نام «فرانک» در شب ۲۴ تا ۲۵ دسامبر ۱۹۲۹ توسط شخص ناشناسی به سرقت می‌رود و در همان شب توسط سارق، خسارت مرگباری برای زیان‌دیده‌ای رقم می‌خورد. این سؤال مطرح شد که محافظ اتومبیل، مالک آن است یا سارق. پاسخی که به نفع وراثت زیان‌دیده تمام می‌شد، این بود که مالک، محافظ اتومبیل به حساب آید، زیرا سارق ناشناس، ولی مالک اتومبیل مشخص بود. در ۳ مارس ۱۹۳۶ شعبه مدنی دیوان عالی کشور، مالک را محافظ به حساب آورد. استدلال این بود که با وجود سرقت اتومبیل، هنوز مالک آن، محافظ به‌شمار می‌رود. هرچند در لحظه حادثه با اتومبیل رانندگی نمی‌کرد. از سوی دیگر از منظر این رأی، سرقت اتومبیل فورس ماژور نبود تا مالک یعنی محافظ را از مسئولیت معاف کند. این رأی که به نفع خواهان‌ها بود، از سوی طرفداران نظریه «نگهداری و محافظت حقوقی» حمایت شد. اما دادگاه پژوهش از پذیرش مسئولیت مالک خودداری کرد. در اجتماع شعبه‌های دیوان در ۲ دسامبر ۱۹۴۱ نظر شعبه مدنی دیوان عالی کشور مبنی بر مسئولیت مالک پذیرفته نشد و نظر دادگاه پژوهش تأیید شد. در تصمیم معروف «فرانک» چنین نظر داده شد که در نتیجه سرقت اتومبیل در لحظه وقوع حادثه «فرانک» هیچ مراقبت و مواظبت از اتومبیل نداشته و از استفاده، راهنمایی و کنترل اتومبیل محروم بوده و محافظ به‌شمار نرفته و نمی‌تواند

بر اساس ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف مسئول باشد (Starck, 1972: 179). در این تصمیم عناصر نگهداری، احصا شدند که عبارت‌اند از: استفاده، راهنمایی و کنترل شیء. اما در مالکیت این امور لازم نیست و از این منظر اگر ساختمانی به تصرف قانونی یا غیرقانونی شخصی باشد، مالک یعنی شخصی که سند به نام اوست، بر اساس ماده ۱۲۴۴ مسئول است و متصرف از باب محافظ یعنی کسی که بر مال کنترل دارد، طبق ماده ۱۲۴۲ ضامن است.^۱

۳.۳. نقد معیارها در مسئولیت مدنی ناشی از اشیا

تعیین مسئول بر مبنای مالکیت معیار آسان و روشنی است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۶۴)، زیرا مالک، یعنی شخصی که در عالم اعتبار، حق عینی اصلی مالکیت متعلق به اوست، مسئول است. این امر سبب سهولت تعیین مسئول شده و به تفسیرهای پیچیده‌ای که در برخی رژیم‌ها در خصوص محافظت شده است، نیازی نیست. همچنان که در استناد به این مسئولیت تفاوتی نیست که آیا مالک حقوق مالکانه خویش را اعمال می‌کرده یا نه و اینکه آیا برخلاف میل خود از تصرف در مال محروم شده است یا نه. همچنین در مواردی که مالک موقتاً استفاده از مال خود را به دیگری می‌سپارد، مانند اجاره یا ایجاد حق انتفاع به نفع دیگری، تغییر در مسئولیت مالک داده نمی‌شود (Mazeaud, 1978: 587). حسن این معیار، سهولت تعیین مسئول است، زیرا در مواردی تعیین مسئول، بیشتر یک معماست تا مسئله حقوقی (Jourdain, 2008: 114). البته با این معیار نیز گاه مشکلاتی مطرح می‌شود. یکی از موارد مشکل تعیین مالک، وقتی است که شیء به وسیله یکی از عقود تملیکی مورد انتقال قرار می‌گیرد و مبنای مسئولیت نظریه تقصیر باشد. در این موارد اگر مبنای مسئولیت مالک، تقصیر باشد، با انتقال مالکیت، تعیین مسئول ممکن نیست و تقصیر نیز باید احراز شود. اما اگر مبنای مسئولیت نظریه خطر یا تعهد ایمنی باشد (Lambert-Faivre, 1994: 81)، با انتقال مالکیت مال، مسئولیت به جبران خسارات نیز به خریدار جدید منتقل می‌شود و از اینرو این ضابطه می‌تواند در تعیین مسئول مفید واقع شود.

۱. برای مطالعه نمونه‌ای از نگهداری از اشیاء می‌توان به رأی شعبه دوم مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در تاریخ ۱۳ ژوئیه ۲۰۰۵ اشاره نمود. در این پرونده بازیکنی در بازی فوتبال شرکت کرده بود. دروازه بان تیم مقابل توپ را پرتاب کرده و به سر بازیکن مزبور خورده و بازیکن زخمی شده بود. زیان‌دیده علیه دروازه بان تیم مقابل اقامه دعوی کرد و دادگاه پژوهش ادعای وی را رد کرد. دادگاه مزبور چنین عنوان می‌نمود که اولاً دروازه بان مرتکب تقصیری نشده و ثانیاً وی نگهداری از توپ را بر عهده نداشته. سرانجام در فرجام خواهی این ایرادات مطرح شد که چرا دادگاه اولاً وجود تقصیر برای دروازه بان را در نظر نگرفته، و ثانیاً چرا در مورد دروازه بان، عنوان نگهداری از شیء را مورد پذیرش قرار نداده است. در مورد ایراد اول یعنی تقصیر دروازه بان، دیوان چنین بیان کرد که دروازه بان مرتکب تقصیری نشده که به صورت نقض قواعد بازی باشد. در مورد ایراد دوم یعنی نگهداری توپ نیز دیوان بیان داشت که دروازه بان همین که به توپ ضربه می‌زند، برای جهت دهی و حرکت دادن آن تسلط داشته، اما استفاده و کنترل و اداره شیء است که عناصر نگهداری را تشکیل می‌دهد و دروازه بان اختیار استفاده و اداره و کنترل توپ را نداشته است. (ژوردن، ۱۳۸۶: ۳۹۶).

۴. از مصادیق تا قاعده

۴.۱. تحولات مسئولیت مدنی ناشی از اشیاء

مسئولیت ناشی از «فعل اشیا»^۱ در حقوق فرانسه تحولات زیادی داشته است (Viney . Jourdain, 1998: 597). پیش از ایجاد اصل، مسئولیت، تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی یعنی ماده ۱۲۴۰ بود (Baudry- Lacantinerie, T.2, 1921: 382) و زیان دیده باید تقصیر را ثابت می کرد (Colin, 207; Capitant, T.2, 1935). در پایان قرن نوزدهم با تفسیر وسیع بند ۱ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف یک اصل حقوقی، تحت عنوان «اصل مسئولیت ناشی از اشیا» به وجود آمد. در پایان قرن نوزدهم با ظهور «ماشینیسم» اوضاع و احوال نشان می داد که دیگر نمی توان مسئولیت مدنی ناشی از اشیا را به دو ماده ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴ ق.م.ف محدود کرد و باید در پی مبنای دیگری بود و آن به نوعی «کشف» بند ۱ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف بود (Buffelan Lanore, Larribau-Terneyre, 2008: 636). در این زمان دکترین نظر داشتند که زیان دیده نباید نیازی به اثبات تقصیر داشته باشد. در ۱۶ ژوئن ۱۸۹۶ مسئولیت ناشی از اشیا در رأی مشهور «تفن»^۲ ظاهر شد که به آن رأی «یدک کش»^۳ نیز گفته می شود (ibid). در این رأی اولین بار دادگاه کارفرمایی را مسئول مرگ کارگری شناخت که به علت انفجار دیگ بخار کشته شده بود. در حالی که کارفرما مرتکب تقصیری نشده بود. (Viney . Jourdain, 1998:597; Radé, 2005: 4). اهمیت این حرکت دیوان به حدی است که به نظر برخی، سرآغاز تحولات مسئولیت مدنی از همین جاست و به تعبیر ایشان گسترش مسئولیت مدنی در همه زمینه ها مدیون استنباط قاعده مسئولیت مدنی ناشی از اشیا از بند ۱ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف است (Malaurie, 2002: 1516; Viney, 1995: 28). در ۱۳ فوریه ۱۹۳۰ رأی «ژاندور»^۴ تحول دیگری را پدید آورد و اماره مسئولیت را پذیرفت. با وجود این، تحولات مسئولیت ناشی از شیء در حقوق فرانسه پایان نیافته و باید منتظر تحولات آینده بود.

۴.۲. ظهور اصل مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا

مسئولیت ناشی از اشیا که در فرانسه به مسئولیت ناشی از حیوانات (ماده ۱۲۴۳) و مسئولیت ناشی از خرابی ساختمان (ماده ۱۲۴۴) محدود می شد، امروزه به قاعده ای تبدیل شده (Flour, 428; Aubert, Savaux, 2001:227; Carbonnier, 1998: 1). «اصل مسئولیت ناشی از اشیا»^۵ به وجود آمده است (Jourdain, 2007: 79; v. Lambert-Faivre, 1998: 1). بند ۱ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف مقرر می دارد: «شخص ... مسئول خسارات ناشی از اشیاء تحت مراقبت خود نیز هست...». با چنین

1. Fait des choses
2. Taffaine
3. Remorqueur
4. Jand'heur
5. Le principe de responsabilité du fait des choses

اصلی، مصادیق مسئولیت مدنی ناشی از شیء یعنی مسئولیت مدنی ناشی از حیوان یا ویرانی ساختمان تحت الشعاع این اصل قرار گرفته (Starck, 1972: 152) و این اصل همه مسئولیت‌هایی را که تحت رژیم خاصی نیست، دربرمیگیرد (Viney, 1995: 28).

۳.۴. طرح اصل مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا

در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف، مسئولیت مدنی «قهری» ناشی از اشیا مطرح شده که اصولاً بر «مالک» یا محافظ یا نگهبان شیء تحمیل می‌شود. اما منعی نیست که مسئولیت مدنی «قراردادی» ناشی از اشیا نیز طرح شود. همچنان که در حقوق فرانسه رأی در این زمینه وجود دارد (Wester-193: 193; Ouisse, 2010: 419; Bacache-Gibeili, 2007: 193). مفهوم مسئولیت مدنی «قراردادی» ناشی از اشیا از دهه ۶۰ بر سر زبان‌ها افتاد (Malaurie, Aynes Stoffel-Munck, 2007: 555). چنین آرای سبب تردید حقوقدانان شده که در کنار «اصل مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا» که تقریباً یک قرن پیش مطرح شد، آیا دیوان می‌خواسته تا «اصل مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا» را نیز طرح کند یا نه؟ به هر حال در پرتو این رأی و آرای بعدی به نظر برخی از حقوقدانان این مسئولیت، یک نهاد خاص بوده و صرف گرده برداری از اصل مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا نیست (Leduc, 1996: 164). از نظر دکتربین، مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا به موردی اطلاق می‌شود که در یک قرارداد، متعهدی که در قبال متعهدله تعهد به انجام تعهدی کرده، در مقام وفای به عهد از شیئی استفاده کند و آن شیء سبب خسارت شود (Malaurie, Aynes, Stoffel-Munck, 2007: 555). ثمره چنین نهادی در حقوق فرانسه به نفع زیان‌دیده بوده و وی می‌توانسته بدون نیاز به اثبات تقصیر از متعهدله مطالبه خسارت کند (Bacache-Gibeili, 2007: 193). برای مثال در قرارداد حمل و نقل مسافر، متصدی تعهد کرده که مسافر را به صورت سالم و به موقع به مقصد برساند و اگر اتومبیل منفجر یا واژگون شده و سبب خسارت شود، متصدی از مسئولیت معاف نیست. همچنین وقتی بائع مبیع را به مشتری تحویل دهد و مبیع در نزد مشتری منفجر شود، فروشنده بر مبنای تضمین عیوب پنهان مبیع مسئول است. برحسب عقاید دکتربین در حقوق فرانسه این مسئولیت را می‌توان نوعی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا نامید. به تعبیر برخی نویسندگان حقوق مدنی فرانسه، در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از شیء گاهی موضوع قرارداد یک شیء است که نباید این نوع مسئولیت یعنی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از شیء را با یک مسئولیت مدنی قراردادی ساده یعنی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از فعل شخصی خلط کرد. برای مثال زمانی که متعهد در مقام وفای به عهد باید شیئی را به متعهدله تسلیم کند و از انجام این امر امتناع می‌کند، مسئله «عدم اجرای تعهدات»^۱

مطرح می‌شود و مسئولیت متعهد نوعی مسئولیت مدنی قراردادی ساده و معمولی یعنی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از فعل شخصی است (Le Tourneau, Cadiet, 1998: 469)، اما زمانی که متعهد شیئی را در مقام وفای به عهد به متعهدله تسلیم می‌کند، دیگر عدم اجرای تعهدات و نقض عهد مطرح نیست و اگر بعد از تسلیم، شیء سبب خسارت متعهدله شد، دعوا، نوعی مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از شیء خواهد بود (Le Tourneau, Cadiet, 1998: 470). در مواردی نیز شیء موضوع قرارداد نیست، بلکه ابزار وفای به عهد است، مانند دستگاه‌های پزشکی یا اتومبیلی که متصدی حمل‌ونقل در مقام وفای به عهد از آن استفاده می‌کند (Le Tourneau, Cadiet, 1998: 470). در این موارد خسارت متعهدله ناشی از عدم اجرای تعهدات قراردادی نیست، بلکه خسارت ناشی از فعل زیانبار شیئی است که در ایفای تعهدات از آن استفاده شده است. از نظر تحلیلی و با توجه به دکترین موجود در حقوق فرانسه، تفاوت این مسئولیت با مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیاء این است که در مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیاء، مسئولیت بر مبنای «مالکیت» یا «محافظت و نگهداری» از شیء است. اما در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از شیء، مالکیت یا محافظت تا حدودی رنگ می‌بازد و از اهمیت آنها کاسته می‌شود و تکیه بر این است که متعهد در مقام وفای به عهد شیئی را به کار برده است که نقش کنشگری داشته و به‌صورت فعل شیء سبب ضرر شده است. برای مثال در حقوق فرانسه مالک ساختمان یا مالک یا متصرف و محافظ حیوان مسئولیت دارد (Carbonnier, 1998: 429; Maistre du Chambon, 2014: 22). در حقوق ایران براساس ماده ۳۳۴ ق.م.ف مالک یا متصرف حیوان مسئول است (داراب‌پور، ۱۳۸۷: ۱۶۷). همچنین طبق ماده ۳۳۳ ق.م. مالک بنا مسئول است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۷۲). چنانکه مشاهده می‌شود در مواد مزبور چه در حقوق ایران و چه در حقوق فرانسه در مورد مسئولیت مدنی قهری ناشی از شیء به ضابطه «مالکیت» یا «محافظت» اشاره شده است. اما در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیاء ممکن است در لحظه وقوع خسارت، متعهد دیگر مالک نباشد یا از نظر فیزیکی در تصرف متعهد نباشد. برای مثال، اگر فروشنده روز شنبه اتومبیل عین معین خود را به مشتری بفروشد و روز دوشنبه تحویل وی دهد و همان روز اتومبیل نزد مشتری دچار انفجار گردد و سبب ورود خسارت شود، با توجه به اینکه بائع متعهد به عیوب پنهانی مبیع نیز است، مسئولیت مدنی بائع امر بعیدی نیست. در حقوق ایران با اندک مسامحه می‌توان گفت که زمینه طرح چنین مسئولیتی وجود دارد. چنانکه ماده ۶۳۹ ق.م. مقرر می‌دارد: «هر گاه مال عاریه‌دارای عیوبی باشد که برای مستعیر تولید خسارتی کند معیر مسئول خسارت وارده نخواهد بود مگر اینکه عرفاً مسبب محسوب شود. همین حکم در مورد مودع و موجر و امثال آنها نیز جاری می‌شود». واژه «امثال آنها» همه عقود و از جمله بیع را نیز دربرمیگیرد. بر مبنای این ماده می‌توان تصور

کرد شخصی عین معینی را به شخص دیگری هبه کرده و پس از ایجاب و قبول و قبض، مال نزد متهب تولید خسارتی کند که مسئول دانستن متهب بیشتر با مقررات مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از شیء سازگار است نه مسئولیت مدنی قهری ناشی از شیء، زیرا در مسئولیت مدنی قهری ناشی از شیء، لازم است تا مسئول به عنوان مالک یا محافظ یا متصرف شیء باشد تا بتوان بر مبنای ضابطه‌های مزبور مسئول را تعیین کرد. اما در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از شیء نیازی به معیارهای مزبور نیست. همان‌گونه که در این مثال واهب پس از قبض دادن مال، نه مالک است و نه متصرف. با وجود این، شایان ذکر است که تفکیک مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا و مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا کار ساده‌ای نیست و مثال‌ها چندان به هم نزدیک‌اند که تفکیک این دو نهاد بیشتر در عالم نظریه‌پردازی ممکن است و در عمل مثال‌ها چنان به هم شبیه‌اند که گویا هر دو یکی است و به همین دلیل اصولاً احکام مسئولیت مدنی قراردادی و قهری ناشی از اشیا و مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی یکسان است. با وجود این، به نظر برخی تفاوت‌هایی بین مسئولیت مدنی قراردادی و قهری، ناشی از اشیاست که برای غنای ادبیات حقوق تعهدات ایران به طرح این موارد می‌پردازیم.

۵. تفاوت مسئولیت مدنی قهری و قراردادی ناشی از اشیا از نگاه دکترین

۵.۱. تفاوت مسئولیت مدنی قهری و قراردادی ناشی از اشیا در اثبات رابطه سببیت

به نظر نویسندگان فرانسوی تفاوت این دو مسئولیت این است که مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا بر مالک یا نگهبان شیء، اما مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا بر متعهد قراردادی تحمیل می‌شود که در مقام وفای به عهد از شیئی استفاده می‌کند (Leduc, 1996: 164). با توجه به مطالب مذکور، به نظر برخی میان احراز رابطه سببیت بین شیء و خسارات و به‌نوعی احراز رابطه بین شیء و شخص نیز در این دو نوع مسئولیت تفاوت‌هایی وجود دارد. در مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا، معیار احراز رابطه انتساب شیء به شخص مسئول این است که شخص باید مالک یا اصولاً نگهبان و محافظ شیء به‌شمار رود. این نگهبانی و محافظت از شیء نیز چنین تعریف می‌شود که شخص باید اختیار کافی و مؤثر در استفاده و جهت‌دهی و کنترل شیء داشته باشد. در یک معنا ارتباط مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا به محافظ و نگهبان به این معنا تفسیر می‌شود که شخص محافظ و نگهبان شیء می‌توانسته از وقوع فعل زیانبار شیء ممانعت به‌عمل آورد و از تحقق خسارات جلوگیری کند. به همین سبب اگر محافظ یا نگهبان شیء مسئول جبران خسارات ناشی از شیء است، به این دلیل است که بین رفتار شخص مزبور و فعل کنشگر شیء، می‌توان رابطه‌ای مستقیم را محرز دانست. به همین دلیل احراز رابطه انتساب بین فعل شیء و شخص مسئول، بی‌ارتباط با مفهوم رابطه سببیت

نیست. درحالی‌که در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیاء، ارتباط مسئولیت با شیء، بیشتر به این معناست که متعهدی که قرار است ایفای تعهد نماید، مسئول جبران خسارات ناشی از شیء است، حتی اگر شیء مزبور را تحت نگهداری و محافظت خود هم نداشته باشد و در نتیجه مسئولیت وی نیز به این سبب نیست که شخص مسئول، از وقوع خسارات ناشی از شیء ممانعت به عمل نیآورده و به همین دلیل بین رفتار مسئول و شیء نیز احراز رابطه انتساب به آسانی ممکن نیست. چنانکه گویا رفتار شخص، منشأ فعل کنشگر شیء نیست. به همین دلیل در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیاء، انتساب نقش کنشگر شیء به شخص مسئول بر مبنای رابطه سببیت استوار نیست. گویا به نظر این عده از نویسندگان حکم به مسئولیت متعهدی که در مقام وفای به عهد از یک شیء استفاده کرده، فقط مبتنی بر یک «احساس»^۱ است (ibid). دلیل این عده از حقوقدانان مبنی بر نفی سببیت، این است که با تئوری‌های مربوط به سببیت نمی‌توان مسئولیت متعهدی را که در مقام وفای به عهد از شیئی استفاده کرده، توجیه کرد. برای مثال در مورد تئوری تساوی اسباب^۲، این تئوری باید مقتضی این امر باشد که در همهٔ فروض، انتساب خسارت ناشی از شیء به متعهد بر رابطه سببیت استوار باشد. حتی زمانی که متعهد، شیء مزبور را تحت محافظت و نگهداری خود ندارد. به عبارتی اگر مسئولیت متعهد با تئوری تساوی اسباب، تحلیل شود، پیش‌فرض این تئوری این است که حداقل باید رابطه سببیت وجود داشته باشد و در مورد متعهد نیز حتی در جایی که مال در محافظت و نگهداری وی نیست، باید رابطه سببیتی وجود داشته باشد که واقعاً در این موارد احراز چنین رابطه‌ای برای متعهد دشوار است. از نظر تحلیلی در این تئوری در بین همهٔ اسباب و عللی که بر مبنای معیار «اگر نبود»^۳ (جعفری تبار، ۱۳۹۴: ۵۹۴) می‌توانستند سبب به‌شمار روند، هیچ‌گزینه‌ی صورت نمی‌گیرد. منظور از معیار «اگر نه» این است که برای تعیین سبب، ضابطه این است که باید از خود پرسید اگر عامل مزبور نبود، خسارت رخ می‌داد یا نه. اگر پاسخ منفی باشد، معلوم می‌شود که عامل مزبور سبب است. برای مثال در حادثه‌ای که به‌علت سرعت غیرمجاز راننده‌ای در هوای بارانی اتفاق افتاده، می‌توان پرسید که اگر هوا بارانی نبود، خسارت رخ می‌داد یا نه که اگر پاسخ منفی باشد، معلوم می‌شود که هوای بارانی نیز یکی از اسباب است. به هر صورت بر مبنای تئوری تساوی اسباب اگر در مورد هر یک از عوامل و شرایط بتوان بر مبنای معیار «اگر نه» آن عامل یا شرط را به‌عنوان سبب در نظر گرفت، هیچ‌گزینه‌ی صورت نمی‌گیرد و همهٔ این عوامل و شرایط می‌تواند به‌عنوان سبب مسئول باشد. در مسئلهٔ مورد بحث یعنی در مورد انتساب مسئولیت ناشی از شیء به متعهدی که در مقام وفای به عهد از شیء

1. Sentiment

2. La théorie de l'équivalence des conditions

3. Sine qua non

استفاده کرده، می‌توان گفت که با تئوری تساوی اسباب، تردیدی نیست که اگر شیء سبب خسارت شود، متعهد نیز یکی از اسباب به‌شمار می‌رود، زیرا با لحاظ معیار «اگر نه» می‌توان گفت که اگر متعهد شیئی را در جریان وفای به عهد به‌کار نبرده بود، خسارت واقع نمی‌شد. با وجود این، به نظر این عده از نویسندگان نمی‌توان با این معیار و بر مبنای رابطه سببیت، مسئولیت متعهد قراردادی را در مورد استفاده از شیء توجیه کرد، زیرا بین کاربرد تئوری تساوی اسباب و مسئولیت بدون تقصیر که اغلب در مورد مسئولیت مدنی ناشی از اشیا مطرح می‌شود، سازگاری چندانی وجود ندارد، زیرا در میان سلسله بی‌نهایت علل و عوامل که با ضابطه «اگر نه» می‌توانند سبب به‌شمار روند، نمی‌توان علتی را که همراه با تقصیر است به‌عنوان سبب برگزید و مسئولیت مدنی بر وی تحمیل شود. به عبارتی در نظریه برابری اسباب همه عوامل و اسباب می‌توانند سبب باشند و قرار نیست فقط سبب مقصر انتخاب شود. در عین حال مسئولیت مدنی ناشی از اشیا مبتنی بر تقصیر نیست که به‌آسانی بتوان مقصر را تمییز داد. چنانکه بر مبنای این تئوری قرار است تا همه علل و شرایط به‌عنوان سبب تلقی شوند و با توجه به این نکته که در مسئولیت مدنی ناشی از اشیا تقصیر اهمیت ندارد و مسئولیت بدون تقصیر است، باید انتظار داشت که این امر به مسئولان لایتناهی و بی‌شماری منتهی شود. به همین دلیل استناد به تئوری تساوی اسباب منتفی بوده و به این معناست که در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا تکیه بر رابطه سببیت منتفی است (Leduc, 1996: 164). ممکن است گفته شود که شاید بتوان مسئولیت مدنی متعهد ناشی از شیء را با نظریه سببیت متعارف^۱ توجیه کرد. در این زمینه بین عوامل اصلی و عمده که سبب کافی به‌حساب می‌آیند و بین عواملی که فقط زمینه‌ساز و مقدمه وقوع خسارت هستند، باید قائل به تفکیک بود. یک عامل وقتی سبب کافی است که برحسب سیر طبیعی امور، به اتفاق و حادثه‌ای منتهی شود و زمانی سبب کافی نبوده و از جمله شرایط زمینه‌ساز است که منتهی شدن آن به امری، بیشتر احتمالی و تصادفی است. بر مبنای این نظر که فقط سبب کافی، مسئول است، نیز نمی‌توان مسئولیت متعهد را در مورد خسارات ناشی از شیء توجیه کرد، زیرا عمل متعهدی که فقط شیء را استعمال کرده، اما محافظ و نگهدارنده شیء نبوده، بیشتر یک شرط و امری زمینه‌ساز است و نمی‌تواند سبب کافی به‌شمار آید و سببیت منتفی است. در نتیجه در مسئول دانستن متعهدی که شیئی را به‌کار برده، اما محافظ و نگهدارنده آن نبوده است، به‌نظر می‌رسد منسوب کردن فعل شیء به متعهد بر مبنای رابطه سببیت استوار نیست (ibid).

۵. ۲. تفاوت مسئولیت مدنی قهری و قراردادی ناشی از اشیاء در اسباب معاف‌کننده

با توجه به مطالب قبل، در صورت پذیرش نظر این عده از حقوقدانان، بین دو مسئولیت در مورد اسباب معافیت از مسئولیت نیز تفاوت وجود دارد. چنانکه به نظر برخی، در مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیاء، فورس ماژور و فعل زیان‌دیده می‌تواند از اسباب معاف‌کننده باشد، اما در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیاء، فورس ماژور از اسباب معاف‌کننده نیست و فقط فعل زیان‌دیده می‌تواند متعهد را معاف کند. تحلیل ایشان این است که در مسئولیت مدنی قهری، شخص محافظ یا نگهبان می‌تواند با اثبات فورس ماژوری که منسوب به وی نیست، از مسئولیت معافیت شود. برای مثال می‌توان تصور کرد که شخصی عصبانی دستگاه تلویزیون خود را از پنجره به بیرون پرت کند و در آن هنگام موتورسواری که در حال عبور بوده برای اجتناب از برخورد با آن انحراف پیدا کند و سبب خسارت عابر پیاده‌ای شود. در این فرض، اگر رهگذر علیه موتورسوار طرح دعوا کند، ممکن است موتورسوار به فعل شخص ثالث استناد کند و با بیان اینکه فعل شخص ثالث برای وی حالت فورس ماژور داشته است، درصدد برآید تا خود را از مسئولیت مدنی معاف گرداند. اثبات این امر به معنای نفی رابطه بین فعل موتور و خسارت نیست، به عبارتی نمی‌توان انکار کرد که موتور مزبور، سبب خسارت زیان‌دیده شده است، زیرا فعل شیء در یک حالت «عینی»^۱ است که در روند دادرسی قضایی هیچ ملاحظه حقوقی نمی‌تواند برای معافیت از مسئولیت مدنی آن را توجیه کند. درحالی‌که در مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخص، ملاحظات قضایی می‌تواند تقصیر را به‌نحوی توجیه کند که به حذف مسئولیت منتهی شود. به عبارت دیگر، در مسئولیت مدنی ناشی از فعل شیء با توجه به اینکه رابطه بین شیء و خسارت، حالتی عینی دارد، نمی‌توان منکر آن شد و آن را توجیه کرد. درحالی‌که در مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخص با لحاظ اینکه مبنا نظریه تقصیر است، ممکن است ملاحظات قضایی در توجیه فعل مقصرانه عملی را تقصیر نداند و منتهی به معافیت شود، زیرا تقصیر هرچند هم دارای مفهومی عینی باشد، ملاک آن عرفی است و در تعریف انسان متعارف، ممکن است برداشت‌های متفاوتی ارائه شده و شخص از مسئولیت معاف شود. بنابراین در مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیاء، اثبات فورس ماژور نمی‌تواند رابطه بین «فعل شیء» و «خسارات» را نفی کند. آنچه از فورس ماژور انتظار می‌رود این است که رابطه بین «فعل و رفتار محافظ شیء» و «خسارت» را نفی کند. انتظار می‌رود که فورس ماژور بتواند ثابت کند که فعل شیء در ورود خسارت، ریشه در رفتار محافظ و نگهبان شیء نداشته و بلکه ریشه در حادثه‌ای دارد که با رفتار محافظ شیء بیگانه است؛ حادثه‌ای مانند حادثه‌ای قهری یا عمل شخص ثالث یا عمل زیان‌دیده که حالت فورس ماژور داشته باشد. چنانکه در

مثال مذکور اگر موتورسوار ثابت کند که فعل شخص ثالث برای وی حالت فورس ماژور داشته است، می‌تواند از مسئولیت معاف شود. به عبارت دیگر در مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا اثر معاف‌کننده اثبات فورس ماژور این نیست که ثابت کند بین «فعل شیء» و «خسارت» رابطه‌ای وجود ندارد، بلکه اثر آن این است که ثابت می‌کند فعل زیانبار شیء منسوب به «فعل محافظ و نگهبان» نیست و فعل شیء ریشه در سبب دیگری دارد که بیگانه از فعل محافظ و نگهبان شیء است. به نظر این عده، اثر معاف‌کننده فورس ماژور که مبتنی بر نفی رابطه سببیت بین «فعل و رفتار» خوانده و وقوع فعل زیانبار است و اثر آن نفی رابطه سببیت بین فعل زیانبار شیء و خسارت نیست، فقط در رژیم‌های حقوقی جبران خسارتی می‌تواند مفید واقع شود که انتساب فعل زیانبار به مسئول مبتنی بر رابطه سببیت باشد که در حالت عادی این وضعیت در مورد مسئولیت مدنی قهری ناشی از اشیا وجود دارد. برعکس در رژیم‌های حقوقی که انتساب فعل زیانبار به خواننده دعوا مبتنی بر رابطه سببیت نیست، جایی برای اثر معاف‌کننده فورس ماژور باقی نمی‌ماند؛ مانند فرض مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا. چنانکه در این فرض بسیار غیرمنطقی است که درحالی‌که این امر پذیرفته شده که مسئولیت متعهد ریشه در رفتار وی نداشته و حتی در فرضی نیز که وی در لحظه وقوع فعل زیانبار شیء، محافظ آن نیز محسوب نمی‌شود، مسئولیت دارد، به خواننده اجازه داده شود که بتواند ثابت کند فعل زیانبار شیئی که وی در مقام وفای به عهد آن را به کار برده، منسوب به علتی است که بیگانه با رفتار وی است. به نظر این عده از حقوقدانان در چنین رژیم‌هایی تنها یک عامل می‌تواند متعهد را از مسئولیت مدنی معاف کند و آن تقصیر زیان‌دیده است. در نتیجه در مسئولیت مدنی قهری ناشی از شیء، فورس ماژور می‌تواند عامل معاف‌کننده باشد، اما در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا، فورس ماژور عامل معاف‌کننده به‌شمار نمی‌رود (Leduc, 1996 : 164).

۵.۳. تعهد ایمنی در مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا

پس از بیان استدلال‌های مذکور از سوی اشخاصی که در مورد مسئولیت مدنی قراردادی ناشی از اشیا معتقد بودند که نیازی به رابطه سببیت نیست، به نظر می‌رسد سببیت امری عرفی بوده و معیار «نسبتی عرفی» است (جعفری تبار، ۱۳۹۴: ۵۹۴)، از این رو نفی رابطه سببیت به آسانی امکان ندارد. برای مثال در مورد متصدی حمل و نقلی که در مقام وفای به عهد و حمل و نقل کالا و مسافر از اتومبیلی استفاده کرده و اتومبیل سبب خسارت مسافر با سبب ورود خسارت به کالاهای ارسال‌کننده شده است، چگونه می‌توان وی را یکی از اسباب به‌شمار نیاورد؟ از سوی دیگر اگر بپذیریم که در مسئولیت قراردادی ناشی از اشیا نیازی به محافظت از شیء نیست، این سؤال مطرح می‌شود که چنین مسئولیتی چه مبنایی دارد. به نظر می‌رسد استناد به نظریه

تعهد ایمنی بهتر از توجیحات دیگر مسئولیت مدنی متعهد را توجیه می‌کند. متعهدی که در مقام وفای به عهد از شیئی استفاده می‌کند، به‌طور ضمنی، تعهد به ایمنی شیء مورد استفاده دارد. به همین دلیل با ورود خسارت به متعهدله، معلوم می‌شود که وی به عهد خود پایبند نبوده است و باید خسارت را بپردازد.

۶. نتیجه

در حقوق فرانسه با توجه به مصادیق پراکنده مانند مسئولیت ناشی از هدم بنا یا خسارات ناشی از حیوان، مسئولیت مدنی ناشی از شیء به‌عنوان یک قاعده و اصل به رسمیت شناخته شده است. حقوق ایران چنین مقرره‌ای ندارد. اما مصادیق پراکنده‌ای که در دیگر کشورها وجود دارد، در حقوق ما نیز یافت می‌شود. با توجه به سوابق فقهی و با استمداد از حقوق تطبیقی به‌ویژه حقوق فرانسه پیشنهاد این است تا قانونگذار در آینده به ایجاد قاعده‌ای جامع در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از شیء اقدام کند. چنین اقدامی به هم‌نوسازی حقوق مدنی کمک می‌کند. برای مثال ماده ۳۳۳ ق.م در مورد ویران شدن ساختمان است، اما خصوصیتی در ساختمان نیست، بلکه هر شیئی اعم از منقول و غیرمنقول و هر نقصان و عیبی می‌تواند منتهی به ورود خسارت به دیگران شود. اختصاص مقرره‌ای به ساختمان و عدم ذکر دیگر اشیا چندان توجیهی ندارد. همچنین ماده ۳۳۴ به خسارات ناشی از حیوان و ماده ۳۳۵ به خسارت ناشی از تصادم کشتی و قطار و امثال آنها پرداخته است. اما قانونگذار می‌تواند قاعده‌ای کلی وضع کرده و چنین مسئولیت‌هایی را از مسئولیت‌های ناشی از فعل شخصی جدا کند، زیرا در فعل شخصی مسئولیت از باب فعل یا ترک فعل ناشی از شخص است. درحالی‌که جای مسئولیت مدنی ناشی از شیء واقعاً خالی است و قانونگذار می‌تواند با وضع قاعده‌ای کلی این نقیصه را از حقوق ایران برطرف کند. تا زمان ایجاد قانونی واحد از سوی قانونگذار، دکتترین می‌تواند برای غنای ادبیات حقوقی اقدام به طرح دو نهاد مسئولیت مدنی قهری و قراردادی ناشی از اشیا کرده و به این ترتیب از موارد پراکنده قواعدی عام استنباط کند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ایرانلو، محسن (۱۳۸۶). شروط محدودکننده و ساقط‌کننده مسئولیت در قراردادها. ج دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. ج اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی کالاها. ج اول، تهران: دادگستر.
۴. ----- (۱۳۹۴). «کاتوزیان و حقوق زیان. تحلیل نظریه مسئولیت مدنی و نگاه کاتوزیان به آن». مندرج در کتاب بر منهج عدل، به سعی دکتر حسن جعفری تبار، ج دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. داراب‌پور، مهرباب (۱۳۸۷). مسئولیت‌های خارج از قرارداد. ج اول، تهران: مجد.

۶. ژوردن، پاتریس (۱۳۸۶). تحلیل رویه قضایی در زمینه مسئولیت مدنی. ترجمه مجید ادیب، ج اول، تهران: میزان.
۷. صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیبالله (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). ج اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). حقوق مدنی. الزامهای خارج از قرارداد. ج ۱، ج هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۸۸). الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد. ج هفتم، تهران: میزان.
۱۰. ----- (۱۳۷۸). مبانی مسئولیت مدنی. ج اول، تهران: دادگستر.

ب) عربی

۱۱. ابن براج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). المهذب، ج ۲، ج اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰ق). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. ج ۴، ج اول، مؤسسه امام صادق (ع).
۱۳. ----- (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. ج ۲، ج اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۸). المختصر النافع في فقه الإمامية. ج ۱، ج ۶. مؤسسه المطبوعات الدينية.
۱۵. سبزواری، سید عبد‌الاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام. ج ۲۱، ج چهارم، مؤسسه المنار.
۱۶. سیستانی، سید علی حسینی (۱۴۱۷ق). منهاج الصالحین. ج ۲، ج پنجم، دفتر حضرت آیت‌الله سیستانی.
۱۷. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه. ج ۲، ج دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. ج ۵، ج چهارم، دارالکتب الإسلامیه.

ج) خارجی

– کتابها

19. Bacache-Gibeili .Mireille (2007) Droit civil.Les obligations.La responsabilité civile extracontractuelle. T.5 . 1é.éd. Economica.
20. Baudry- Lacantinerie .G (1921)Précis de Droit civil. T.2. 12é.éd. Librairie de la société du recueil- siry.
21. Benabant .Alain(2007) Droit civil .Les obligations. 11 é.éd.Librairie général de droit et de jurisprudence. Montchrestien.
22. Buffelan Lanore. Yvaine. Larribau-Terneyre. Virginie(2008) Droit civil. Les obligations. 11é.éd. Siry.
23. Carbillac.Remy(2008) Droit des obligations. 8é.éd.Dalloz
24. Canin.Patrick(2007)Droit civil.Les obligations. 3 é.éd.Hachette supérieur.
25. Carbonnier. Jean(1998) Droit civil. Les obligations. T4. 21é. éd. presses universitaires de France.
26. Colin .Ambroise. Capitant .H(1935)Cours élémentaire de Droit civil français. T.2. 8é. éd. paris. Librairie Dalloz.
27. Delebecque .Philippe. Jérôme pansier .Frédéric(2014) Droit des obligations. 6é.éd. LexisNexis.
28. Fabre-Magnan .Muriel(2007) Droit des obligations.T.2.Responsabilité civile et quasi-contrats. 1é.éd. Presses universitaires de France.
29. Flour. Jaques. Aubert .Jean-Luc. Savaux .Eric(2001) Droit Civil. Les Obligations. T.2. Le fait juridique. 9 é.éd.sirey.
30. Jourdain. Patrice(2007) Les principes de la responsabilité civile.7é.ed. Dalloz.
31. Le Tourneau .Philippe. Cadiet .Loic(1998) Droit de la responsabilité. 1é.éd. Dalloz.

32. Malaurie .Philippe. Aynes .Laurent. Stoffel-Munck .Philippe(2007) Droit civil. Les obligations. 3 é.éd. Editions juridiques associées. Défrénois.
33. Mazeaud .Henri. Léon. Jean(1978) Leçons de droit civil. T.2. volume premier. Obligations. 6éd.éd. par François Chabas. Paris. Montchrestien.
34. Starck .Boris(1972)Droit civil. Obligations. 1é.éd. Librairies techniques.
35. Viney .Geneviève. Jourdain .Patrice(1998) Traité de Droit civil. Les conditions de la responsabilité civile. 2é. éd. Librairie générale de Droit et de Jurisprudence.
36. Viney .Geneviève(1995) Traité de droit civil. Introduction à la responsabilité. 2é.éd. Librairie générale de droit et de jurisprudence.
37. Terré .François. Simler.Philippe. Lequette.Yves(2005) Droit Civil. Les Obligations.9 é.éd .Dalloz.
38. Weill .Alex. Terré .François(1975) Droit civil. Les obligations. 2é.éd. Dalloz.

– مقالات

39. Bertolaso. Sabine(2012) "DROIT À RÉPARATION. Responsabilité du fait des choses. Gardien".JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 150-20.
40. Bertolaso. Sabine(2004) DROIT RPARATION. Responsabilité du fait des choses . - Modes d'exonération. JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 150-60.
41. Borghetti .Jean-Sébastien(2010) "La responsabilité du fait des choses, un régime qui a fait son temps". RTD Civ.
42. Cathelineau-Roulaud. Anne(2002) DROIT RPARATION . - Responsabilité du fait des choses. Intervention de la chose. JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 150-40.
43. Cathelineau-Roulaud. Anne(2003) DROIT RPARATION. Responsabilité du fait des choses. Personnes pouvant invoquer l'article 1384, alinéa 1er. JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 150-50.
44. Jourdain .Patrice(2008) "L'énigme de la détermination du conducteur lorsque les circonstances sont indéterminées". RTD Civ.
45. Jourdain .Patrice(2000) "Une nouvelle avancée de l'obligation de sécurité de résultat du médecin." Recueil Dalloz.
46. Hocquet-Berg.Sophie(2004) DROIT RPARATION.Responsabilité du fait des bâtiments. JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 152.
47. Lambert-Faivre.Yvonne(1994) " Fondement et régime de l'obligation de sécurité". Recueil Dalloz.
48. Lambert-Faivre.Yvonne(1998) "L'éthique de la responsabilité". RTD Civ.
49. Leduc .Fabrice(1996) "La spécificité de la responsabilité contractuelle du fait des choses". Recueil Dalloz.
50. Legros .Jean-Pierre(2010) "DROIT À RÉPARATION. Responsabilité du fait des animaux. Conditions". JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 151-20.
- 51.Malaurie.Philippe(2002) "La responsabilité civile médicale. "Répertoire du notariat Defrénois. N° 23.
52. Maistre du Chambon.Patrick(2014) "RÉGIME DE LA RÉPARATION. Action en réparation. Les modes de preuve". JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 223.
53. Radé .Christophe(2005) "DROIT À RÉPARATION. Responsabilité du fait d'autrui. Principe général." JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 140.
54. Sohm-Bourgeois. Anne-Marie(1990) La personnification de l'animal: une tentation à repousser. Recueil Dalloz.
- 55.Wester-Ouisse .Véronique(2010) "Responsabilité délictuelle et responsabilité contractuelle: fusion des régimes à l'heure internationale". RTD Civ.
- 56.Wester-Ouisse .Véronique(2010) "Responsabilité délictuelle et responsabilité contractuelle: fusion des régimes à l'heure internationale". RTD Civ.